

ارزیابی جایگاه کرامت انسانی (مبتنی بر آرای امام موسی صدر) در سیاست‌گذاری
 نوسازی شهری؛ مورد پژوهشی: راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع تهران



محمد صالح شکوهی بیدهندی*

دکترای شهرسازی و عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران (نویسنده مسئول)

رضا مطهر**

کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه علم و صنعت ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۱/۲۶

چکیده:

موضوع کرامت انسانی مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و به ویژه بسیاری از اندیشمندان مسلمان بوده است. امروزه با طرح مباحثی نظیر توانمندسازی، حق به شهر، توسعه‌ی انسانی و آموزش شهروندی، به تدریج ابعاد فضایی کرامت انسانی نیز محل بحث متخصصان و اندیشمندان قرار گرفته است. با این حال، ضرورت تعریف روش و معیارهایی برای ارزیابی کرامت انسانی در سیاست‌های کلان توسعه شهری همچنان محسوس است. به ویژه این پرسش قابل طرح است که سیاست‌های کلان شهرسازی چقدر منطبق بر مفهوم کرامت انسانی هستند. برای نمونه، طرح جامع تهران (مصوب ۱۳۸۶)، راهبردهایی را برای نوسازی بافت فرسوده‌ی شهری مشخص کرده و از جمله از نظر اقتصادی، طرح جامع شهر تهران، «راهبرد نوسازی با تراز مالی صفر» را مطرح می‌کند. پرسش این است که آیا این اینکه طبق این راهبرد، بودجه‌ی مورد نیاز برای حمایت از نوسازی در بافت‌های فرسوده، از طریق سود شهرداری از محل نوسازی همین بافتها تأمین گردد، منطبق بر مفهوم کرامت انسانی است؟

از میان نظریه‌پردازان مختلف در حوزه کرامت انسانی، این پژوهش با شرح آرای سیدموسی صدر تلاش کرده است که چارچوبی نظری و معیارهای قابل طرح برای سنجش کرامت انسانی در برنامه‌های توسعه شهری ارائه کند و سپس با ابتناء به این معیارها، راهبرد اقتصادی نوسازی شهر تهران را مورد ارزیابی قرار داده است. به منظور سنجش این معیارها در طرح جامع تهران، این پژوهش اقدام به مصاحبه‌ی نیمه ساخت یافته با دو گروه از متخصصان کرده است: نخست کارشناسان مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تهران (به عنوان متولیان طرح جامع) و دوم کارشناسان سازمان نوسازی شهر تهران (به عنوان متولی نوسازی شهری). مصاحبه‌ها تا مرحله‌ی اشیاع نظری (جمعا ۱۵ مصاحبه) پیش رفت.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بر مبنای معیارهای مستخرج از آراء سیدموسی صدر (شامل معیارهای «حفظ و ارتقاء وحدت در جامعه»، «ایجاد امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها»، «مساوی دانستن افراد مگر به سبب برتری در تقوا، جهاد و علم»، «رسیدگی به امور مردم»، «مسئولیت‌پذیری همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر»، «رعایت آزادی‌های انسانی» و «نهادسازی برای توانمندسازی محرومان»)، راهبرد اقتصادی «تراز مالی صفر در نوسازی شهری» نمی‌تواند مبتنی بر کرامت انسانی باشد. در نهایت اینکه با عنایت به گذشت حدود ۱۰ سال از این سند و ظرفیت پیش‌بینی شده در سند طرح جامع برای انجام بازنگری‌های پنج ساله، پیشنهاد این مقاله، اصلاح راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع شهر تهران است.

واژه‌های کلیدی: نوسازی شهری، کرامت انسانی، بافت‌های فرسوده، طرح جامع تهران، امام موسی صدر.

* shokouhi@iust.ac.ir

مقدمه

مفهوم کرامت انسانی، از مفاهیم مهم اما نسبتاً پیچیده در ادبیات علوم انسانی است. تعداد مقالات و کتبی که در چارچوب رشته‌ی شهرسازی (اعم از برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، طراحی شهری و مدیریت شهری) مفهوم کرامت انسانی را موضوع بحث خود قرار داده باشند، بسیار ناچیز است. با این حال، این مفهوم می‌تواند به متغیری کانونی در مباحث شهرسازی بدل گردد. زیرا کرامت وجهی غیر قابل انفکاک از وجود انسان است و اگر شهرسازان موضوع دانش خود را انسان بدانند، نمی‌توانند از این مفهوم غافل شوند. امروزه با طرح مباحثی نظیر توانمندسازی، حق به شهر، توسعه‌ی انسانی و آموزش شهروندی، به تدریج ابعاد فضایی کرامت انسانی محل بحث متخصصان و اندیشمندان قرار گرفته است. با این حال، ضرورت تعریف روش و معیارهایی برای ارزیابی کرامت انسانی در سیاست‌های کلان توسعه شهری همچنان محسوس است. این مقاله تلاش می‌کند تا چارچوبی برای ارزیابی کرامت انسانی در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری ارائه کند و به عنوان مورد مطالعاتی، به راهبرد اقتصادی نوسازی در شهر تهران متمرکز می‌شود. طرح جامع تهران (۱۳۸۶) پیشنهاد نوسازی بافت‌های فرسوده با تراز مالی صفر را مطرح می‌کند. بر این اساس، قرار نیست که پولی از درآمدهایی که شهرداری خارج از بافت‌های فرسوده تحصیل می‌کند؛ برای تأمین خدمات یا حمایت از نوسازی ابنیه در این بافت‌ها هزینه شود. بلکه تأمین بودجه‌ی نوسازی، از طریق درآمدهای قابل تحصیل در خود بافت‌های فرسوده انجام می‌شود. پرسش این مقاله این است که آیا چنین راهبردی مبتنی بر کرامت انسانی است؟ به عبارت دیگر، اینکه بودجه‌ی مورد نیاز برای حمایت از نوسازی در بافت‌های فرسوده، از طریق سود شهرداری از محل نوسازی تأمین گردد؛ منطبق بر مفهوم کرامت انسانی است یا خیر؟ به منظور پاسخ به این سؤال، در ابتدا تلاش می‌شود که مفهوم کرامت انسانی، به ویژه با ابتنا به آرای یکی از متفکران مسلمان به نام سیدموسی صدر، تبیین و صورت‌بندی شود و سپس ارزیابی این مفهوم در راهبرد اقتصادی طرح جامع در نوسازی شهر تهران مورد بررسی

قرار خواهد گرفت.

مفهوم کرامت انسانی

کرامت ذاتی انسان آن نوع شرافتی است که تمامی انسان‌ها به دلیل داشتن توانایی تعقل، تفکر، آزادی، اراده و اختیار و وجهه الهی، به طور فطری و یکسان از آن برخوردارند. این کرامت، یک امر ذاتی و غیر قابل انفکاک و انتزاع از انسان است (رحیمی‌نژاد ۱۳۹۰، ۱۲۳). در زبان انگلیسی نزدیک‌ترین مفهوم به واژه کرامت، «dignity» است که به معنای شرف، افتخار، استحقاق احترام، عنوان، رتبه و مقام، امتیاز و شرافت می‌باشد.

در میان اندیشمندان غیرمسلمان، مفهوم کرامت انسانی در سیری تکوینی به تدریج اهمیت یافته است. عده‌ای از پژوهشگران با مطالعه منابع متعدد، معتقدند مفهوم کرامت در سیر تاریخی تفکر غرب، چهار معنی با خود به همراه داشته است (شولمان^۱ ۲۰۰۹، ۷-۱۰). اقتصاددانان کلاسیک از جمله آدام اسمیت از اصطلاح «نیروی کار»^۲ برای اشاره به عامل انسانی استفاده می‌کردند. در واقع از آن جایی که محوریت تولید نزد ایشان با «سرمایه» بود؛ «نیروی کار» هم به عنوان عاملی با یک نقش دست دوم در فرآیند تولید اقتصادی مطرح می‌شد. این نگاه به انسان، به تدریج روزآمد شد و بخشی از اقتصاددانان ضمن آنکه متوجه شدند نقش نیروی انسانی اهمیت بیشتری دارد، به جای «نیروی کار» از اصطلاح «نیروی انسانی»^۳ بهره گرفتند. یعنی به تدریج افزایش توجه به نقش انسان در توسعه را می‌توان شاهد بود. مرحله بعد، زمانی رخ داد که استفاده از واژه «منابع انسانی»^۴ رایج شد. بعدها اقتصاددانی چون «شومپتر»^۵ در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نگاه به جایگاه انسان در فرآیند توسعه را یک پله دیگر ارتقا داده و بحث «سرمایه انسانی»^۶ را مطرح کردند. این تلقی یعنی «انسان» نیز در کنار سرمایه‌های فیزیکی و طبیعی، یک سرمایه است و نمی‌توان نقش انسان را به صرف یک عامل تولید درجه دوم فروکاست.

نتیجه چنین تحولی، این بود که به تدریج توصیه‌های اقتصاددانان به سرمایه‌گذاری در آموزش و بهداشت و موارد اینچنینی افزایش یافت. اما وقتی پرسیده می‌شد چرا در این زمینه‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنید؛ می‌گفتند چون یک انسان



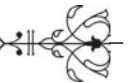
جدول ۱. برخی دیدگاه های اندیشمندان غربی در باب کرامت انسانی
 (مأخذ: نگارندگان بر اساس رضاییان ۱۳۹۴؛ سالماسی ۲۰۰۲؛ نوردنفلت^۱
 ۲۰۰۴؛ اوماتونا^{۱۱} ۲۰۱۳)

<p>۱. کرامت انسانی به ارزش او اشاره دارد. ۲. کرامت ارزشی است که تمام انسان ها به طور ذاتی و مساوی از آن برخوردارند. ۳. کرامت انسانی ارتباط عمیق و تنگاتنگی با استقلال و خودمختاری ذاتی انسان دارد. ۴. کرامت انسانی به طور اجتناب ناپذیر با عقلانیت خودآگاه انسان مرتبط است. ۵. کرامت انسانی مبنای حقوق مساوی بشر است.</p>	<p>امانوئل کانت</p>
<p>۱. کرامت شایستگی: با رتبه و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه مرتبط است. ۲. کرامت اخلاقی: این قسم از کرامت با احترام به خویشتن گره خورده است. ۳. کرامت هویت: افرادی که خود را فرد مستقلی می دانند؛ دارای کرامت هویت هستند. ۴. کرامت ذاتی انسان: همه ما به خاطر اینکه انسان هستیم آن را داریم.</p>	<p>نوردنفلت</p>
<p>۱. کرامت ذاتی: همه انسان ها بدون نظر از اینکه دارای فضائل روانی، جسمی، اجتماعی، اقتصادی و... هستند. ۲. کرامت اکتسابی: انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود به دست می آورد. ۳. کرامت شکوفاکننده: واژه اینفلوروسنت اشاره به یک فرایند ارزشی دارد که باعث تعالی انسان ها می شود.</p>	<p>سلمازی</p>
<p>۱. کرامت ذاتی: با انسان بودن در ارتباط است. ۲. کرامت اکتسابی: اشاره به انسان و شخص بزرگی دارد. ۳. احساس خودکرامتی ۴. اقدام برخلاف صیانت از کرامت نفس</p>	<p>وماتونا</p>

آموزش دیده و بهره مند از سلامت جسمی و روحی، بهتر و بهره ورتر می تواند تولید کند. یعنی در اینجا هنوز هم یک نگرش «بزارمحورانه» به انسان وجود داشته و اصالت بر «تولید» و نه «انسان» بوده است.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، به تدریج نحله ای از اقتصاددانان شکل گرفتند که مهم ترین دغدغه شان این بود که لازم است به شکل انسانی تری به مقوله توسعه نگاه شود. این اقتصاددانان، حامی رویکرد «توسعه انسان محور» بودند و به تدریج با اقبال نهادهای بین المللی و به ویژه سازمان ملل متحد نیز مواجه شدند. در اواخر دهه ۱۹۸۰، برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در گزارشی در کنار عبارت «سرمایه انسانی»، عبارت جدیدی تحت عنوان «توسعه انسانی»^۶ را مطرح کرد و در سال ۱۹۹۰، اولین گزارش رسمی شاخص توسعه انسانی^۷ از سوی سازمان ملل منتشر شد. در گزارش توسعه انسانی که سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد؛ بر این امر تاکید شد که انسان ها ثروت واقعی و اصلی هر ملتی هستند و هدف از فرآیند «توسعه»، ایجاد شرایطی است که انسان ها از عمر طولانی و باکیفیت و زندگی سالم و سازنده ای در آن بهره مند شوند. بعد از آن، در طول دو دهه بعد، «آمارتیا سن» با نگرارش آثاری چون «توسعه به مثابه آزادی» مفهوم توسعه انسانی را عمق و ژرفای بیشتری داد و مفهوم «قابلیت انسانی»^۸ را مطرح کرد و بنابراین برای نخستین بار «انسان» در قانون یک نظریه توسعه قرار گرفت و رویکرد انسان محور با ابعادی چندگانه وارد مباحث توسعه شد. در چنین رویکردی، این پس زمینه وجود داشت که «انسان» هم «بزار» توسعه و هم «هدف» توسعه خواهد بود (محمودی، نیری و پورعزت ۱۳۹۳). در جدول ذیل به بیان نظر و جایگاه کرامت انسانی از دیدگاه چند تن از متفکران و اندیشمندان غیرمسلمان پرداخته می شود.





در ادامه به تفصیل بیشتری آرای متفکران مسلمان و غیرمسلمان در باب کرامت انسانی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

کرامت انسانی در آرای فقهای مسلمان

موضوع کرامت انسانی مورد توجه بسیاری از علما و فقهای مسلمان بوده است. برخی از فقها، اصل کرامت بشری را مانند «اصل عدالت» از اصول پیش فقهی عنوان می‌دهند. منظور از «اصول پیش فقهی»، اصولی است که چنین نیستند که در عرض قواعد درون فقهی قرار گیرند؛ بلکه در فوق و یا به تعبیر در طول آنها هستند (محقق داماد ۱۳۹۶). بنابراین، مشخص است که شأن مفهوم کرامت انسانی برای فقهای مسلمان، شأنی ویژه است.

کرامت انسانی در نگاه فقهای اسلام، از سوی خدا به انسان خلیفه‌الله اعطا شده است. برخی از فقها، کرامت انسانی را امری درون دینی می‌دانند. برای نمونه، به تعبیر آیت الله عبدالله جوادی آملی، کرامت انسانی در قرآن آن است که در قلمرو دین می‌گنجد. قلمرو دین آن است که انسان، دین شناس، دین باور و دین‌دار باشد. اگر شخصی هوی‌مدار بود نه خدامحور، این خلیفه‌الله نیست؛ وقتی خلیفه‌الله نبود «کرما» شامل او نمی‌شود (یدالله پور و مودب ۱۳۹۳، ۷۷). همچنین محمدتقی مصباح یزدی معتقد است که کرامت ذاتی بار ارزشی ندارد؛ بلکه اختصاص به ذات خداوند دارد. آن کرامتی با ارزش و حقوقی است که همراه با اختیار باشد (میراحمدی و کمالی گوکی ۱۳۹۳؛ ۳۹). البته همه‌ی فقها با این نظر هم‌رأی نیستند و جالب است که بسیاری از فقهای مسلمان، همه‌ی ابناء بشر و نه تنها مسلمانان را واجد کرامت انسانی می‌دانند. برای مثال، از نظر شیخ زین‌الدین بن علی عاملی جباعی، معروف به شهید ثانی، از فقهای شیعی شناخته شده‌ی قرن دهم هجری قمری، کرامتی که خداوند در آیه‌ی شریفه ۷۰ سوره اسراء برای فرزندان آدم اعلام داشته؛ عام است و اختصاص به مومنان ندارد. انسان‌ها در روابط با یکدیگر همواره باید آن را لحاظ کنند، یکدیگر را با هر عقیده قلبی بپذیرند و به کرامت الهی اعطا شده به انسان حرمت نهند (محقق داماد ۱۳۹۶). برخی دیگر از فقها، ضمن تلاش برای تعریف مفهوم کرامت

در نگاه اندیشمندان مسلمان نیز، بر مفهوم کرامت انسانی تأکید ویژه‌ای شده است. قرآن کریم در آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء^{۱۲} می‌فرماید: ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان بخشیدیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری دادیم». علامه طباطبایی (ره) در بیان مراد از تکریم انسان و فرق آن با تفضیل در آیه فوق می‌فرماید: «تفضیل و تکریم ناظر به یک دسته از موهبت‌های الهی است که به انسان داده شده؛ تکریم او به دادن عقل است که به هیچ موجودی دیگر داده نشده، و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد. موهبت‌های دیگری از قبیل تسلط بر سایر موجودات و استخدام و تسخیر آنها برای رسیدن به هدف‌ها از قبیل نطق و خط و امثال آن نیز زمانی محقق می‌شود که عقل باشد. و اما تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که آنچه را که به آنها داده؛ از هر یک سهم بیشتری به انسان داده است...». و این در حالی است که آیت‌الله جوادی آملی، صدر و ذیل آیه (حتی تفضیل) را بیانگر کرامت انسان می‌داند؛ با این تفاوت که صدر آیه را ناظر به کرامت نفسی انسان (ولقد کرما بنی آدم) و ذیل آیه را ناظر به کرامت نسبی او (فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً) معرفی می‌کند. ره توشه مسیر کرامت و عامل نیل به آن، تقواست؛ چنان که قرآن فرمود: «تزوّدوا فان خیر الزاد التقوی» و به عبارت دیگر، تقوا معیار کرامت انسان است و در غیر محور تقوا، کرامتی وجود ندارد و هر که تقوایش قوی‌تر باشد، به همان میزان از گنجینه کرامت الهی بیشتر بهره‌مند می‌باشد: «ان اکرمکم عند الله اتقاکم؛ کریم‌ترین شما در نزد خدا با تقواترین شماست» (رضوانی پور ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد تفاوت میان رویکرد غربی نسبت به رویکرد دینی، تفاوت در تعریف هدف باشد. در نگاه غربی، هدف از توسعه در گذشته بیشتر کسب سرمایه و امروزه در بهترین شق آن، انسان و حقوق بشر بوده است؛ حال آنکه در نگاه مسلمانان، هدف رسیدن به مقام تقرب است و از همین روی است که به جای انسان‌محوری، از خدامحوری یاد می‌شود. این نگاه البته به شأن و کرامت انسانی توجهی ویژه دارد.





بنابراین، می‌توان به صورت کلی گفت که نظریات در باب کرامت انسانی قابل تفکیک به سه دسته‌ی کلی است. دسته‌ی اول، نظریاتی هستند که کرامت انسانی را امری ذاتی می‌دانند (نظریه‌ی انسان‌گرایانه)؛ دسته‌ی دوم، معتقدند که کرامت وابسته به حفظ ارزش‌ها و اختیار است و با فساد و جرم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد (نظریه اقتضاء)؛ و دسته سوم نظریاتی هستند که به هر دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی معتقدند و تقابلی میان آنان نمی‌یابند (نظریه افزوده) (میراحمدی و کمالی گوکی ۱۳۹۳، ۳۶). پس از بیان آرای متفکران غربی و اندیشمندان مسلمان در باب کرامت انسانی، پژوهش حاضر بر روی آرای یکی از اندیشمندان مسلمان متمرکز می‌شود. آن‌گونه که در ادامه مشاهده می‌شود؛ امام موسی صدر، از آن جهت که هم در عرصه‌ی نظر، موضوع کرامت انسانی را مورد مذاقه قرار داده و هم در عرصه‌ی عمل، اقداماتی را برای تحقق آن در جامعه انجام داده، می‌تواند مبنای خوبی برای تبیین معیارهای کرامت انسانی باشد. به نظر می‌رسد آن‌گونه که در ادامه مشاهده می‌شود؛ می‌توان آرای امام موسی صدر را در دسته‌ی سوم تعریف کرد. بدیهی است که پژوهش‌های آتی می‌توانند با رجوع دقیق‌تر به آرای متفکران دیگر و به ویژه اندیشمندان مسلمان معاصر نظیر امام خمینی و شهید مطهری، معیارهای دیگری برای سنجش کرامت انسانی به دست دهند و به تکمیل یافته‌های این مقاله کمک نمایند.

تطبیق دیدگاه‌های مرتبط با کرامت انسانی

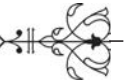
به نظر می‌رسد تفاوت میان رویکرد غربی نسبت به رویکرد دینی، تفاوت در تعریف هدف باشد. در نگاه غربی، هدف از توسعه در گذشته بیشتر کسب سرمایه و امروزه در بهترین شق آن، انسان و حقوق بشر بوده است؛ حال آنکه در نگاه اندیشمندان مسلمان، هدف رسیدن به مقام تقرب است و از همین روی است که به جای انسان‌محوری، از خدامحوری یاد می‌شود. این نگاه البته به شأن و کرامت انسانی توجهی ویژه دارد. این تفاوت در نگرش سبب تمایز معیارها و مولفه‌های بیان شده برای مفهوم کرامت انسانی در این دو شده است. در نمودار زیر به تطبیق و تلفیق معیارها و مولفه‌های کرامت انسانی مستخرج از آرای اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان مورد مطالعه اقدام شده است.

انسانی، برای آن انواع یا سطوحی را تعریف کرده‌اند. برای نمونه در بیان آیت الله محمد تقی جعفری تبریزی، کرامت انسان الهی عبارتست از آن شرف و حیثیت و ارزشی که با کوشش اختیاری در مسیر تزکیه نفس و تحصیل معرفت و هستی‌یابی و تقرب به پروردگار متعال به دست می‌آید. شناخت و احترام به کرامت انسانی یکی از مقدمات ضروری آن است. این همان کرامت عظمی است که خداوند سبحان فرموده است^{۱۳} (جعفری تبریزی ۱۳۷۰، ۸۹-۸۸). بسیاری دیگر از علما نیز، مانند آیت‌الله جعفری تبریزی قائل به تفکیک انواع کرامت هستند و معتقدند که دو نوع کرامت ذاتی (که با معیارهایی نظیر خلقت الهی، خلافت الهی، تعقل و اختیار تعریف می‌شود) و کرامت اکتسابی (با معیارهای تقوا، ایمان، علم و مجاهده) قابل طرح خواهند بود (خانزاده امیرسالاری ۱۳۹۴، ۶۰-۴۷). همین رأی را می‌توان در آثار علمای دیگری همچون شهید مطهری نیز جستجو کرد. جدول ذیل به بیان معیارهای کرامت انسانی از دیدگاه چند تن از فقهای مسلمان می‌پردازد.

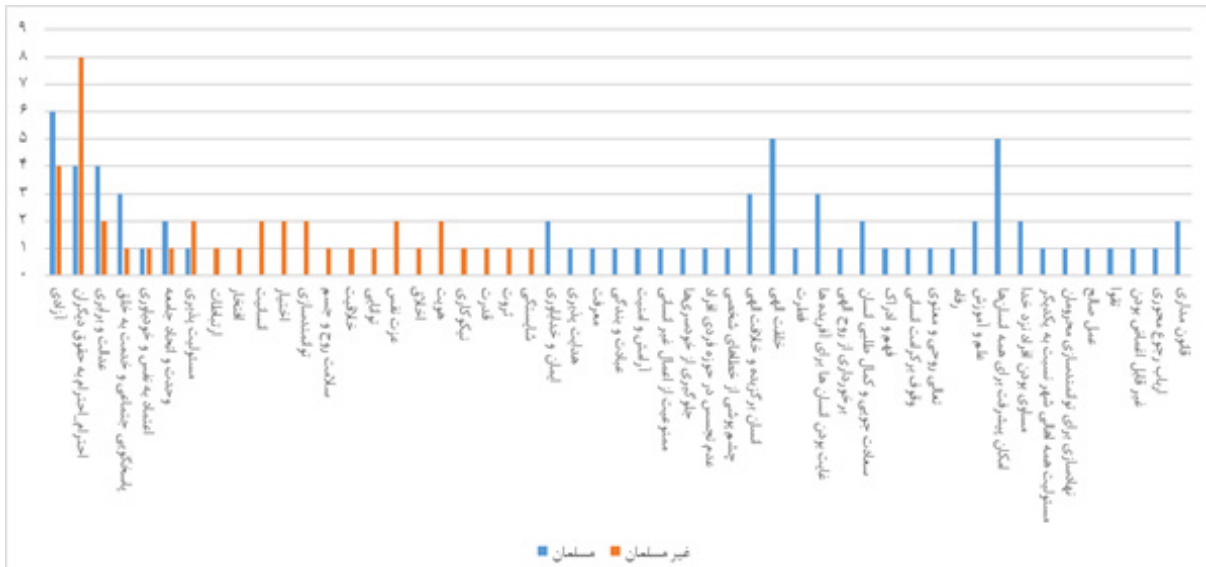
جدول ۲. برخی دیدگاه‌های متفکران مسلمان در باب کرامت انسانی (مأخذ: نگارندگان بر اساس درتاج و محمدرضایی ۱۳۹۵؛ میراحمدی و کمال گوکی ۱۳۹۳؛ آشور ماهانی ۱۳۹۲؛ آقاداتاشی ۱۳۹۲)

ملاصدرا	۱. ظرفیت شگرف علمی، ۲. خلافت الهی، ۳. اختیار و آزادی، ۴. برخورداری از روح الهی، ۵. خردورزی و فرزاندگی، ۶. کمال طلبی انسان، ۷. سعادتجویی
امام خمینی (ره)	۱. امنیت، ۲. عدالت، ۳. ممنوعیت اعمال غیرانسانی، ۴. جلوگیری از خودسری‌ها، ۵. عدم تجسس در حوزه فردی افراد، ۶. چشم‌پوشی از خطاهای شخصی و خصوصی که آثار حقوقی ندارد، ۷. آرامش، ۸. ممنوعیت از اهانت به انسان
شهید مطهری	۱. تعقل، ۲. آزادی، ۳. عمل صالح، ۴. ایمان، ۵. احترام به حقوق
علامه جعفری	۱. علم، ۲. عمل صالح، ۳. اختیار و آزادی، ۴. تقوا، ۵. برابری انسان، ۶. رعایت حقوق اجتماعی، ۷. غیرقابل اغماض بودن





نمودار ۱. تطبیق و تلفیق دیدگاه های مرتبط با کرامت انسانی (مأخذ: نگارندگان)



اخروی دلالت داشته و زندگی بعد از مرگ افراد را مورد توجه قرار می دهد.

چارچوب نظری: آرای امام موسی صدر در باب کرامت انسانی **(الف) آراء مکتوب**

امام موسی صدر متولد، ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ هجری شمسی در شهر مقدس قم می باشد که در خرداد سال ۱۳۲۲ به حوزه علمیه قم رفت و در کنار تحصیلات حوزوی، سال ۱۳۲۹ به عنوان اولین دانشجوی روحانی در رشته «حقوق در اقتصاد» به دانشگاه تهران وارد شد. او یکی از عالمان و اندیشمندان شیعه در عرصه فرهنگی و سیاسی است که پس از هجرت از ایران به لبنان، مجلس اعلای شیعیان لبنان و جنبش امل را تأسیس کرد و رهبری فکری و سیاسی شیعیان این کشور را عهده دار شد. آثار، سخنرانی ها و سیره عملی او می تواند مبنایی برای تبیین کرامت انسانی باشد؛ زیرا او اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان از یک سو، و استفاده از ظرفیت های منحصر به فرد برای نمایاندن چهره عاقل، عادل و انسان دوست مکتب اهل بیت به جهانیان از سوی دیگر، اهداف اصلی مهاجرت ها، مطالعات و مبارزات زندگی ایشان را تشکیل می داد.

در ادامه، برخی از معیارهای کرامت انسانی بر اساس دیدگاه های امام موسی صدر تبیین می گردد.

به نظر می رسد که معیارها و مولفه های مشترک در این دو رویکرد از جمله «آزادی»، «احترام به حقوق دیگران»، «عدالت برابری» و... بیشتر جنبه اجتماعی و عمومی دارند. به عبارت دیگر اهمیت وجود این مولفه ها و معیارها بیشتر متوجه منافع عمومی می باشد تا منافع فردی و شخصی. البته با این نکته توجه داشت که شباهت در برخی از معیارهای کرامت انسانی در رویکردی دینی متفکران مسلمان و رویکرد غربی، شباهت در شکل است نه محتوا. به عنوان مثال محتوا و مفهوم معیار آزادی به عنوان یکی از معیارهای کرامت انسانی در رویکرد اندیشمندان مسلمان و رویکرد غربی متفاوت است.

به نظر می رسد که معیارها و مولفه های مستخرج در آرای مسلمانان با توجه به آنکه از متأثر از تعالیم دین مبین اسلام می باشند، جنبه های مختلف فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و نیز ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... زندگی فرد را مورد توجه قرار داده می دهند. از این رو برخی معیارها مانند «ایمان و خدا باوری»، «عبادت و بندگی» و... به جنبه فردی، برخی معیارها مانند «مسئولیت پذیری» و... به حوزه اجتماعی، برخی معیارها مانند «رفاه»، «قانون محوری» و... به مسائل دنیوی و امکانات زندگی و نیز برخی معیارها مانند «ایمان و خدا باوری»، «هدایت پذیری» و... بر جنبه





پیوندی نزدیک و با هیچ‌کس و هیچ‌مکان و هیچ‌زمانی هم قرابت ندارد. این معنا بسیار ارجمند و خاستگاه دین و اندیشه و پیشرفت است. وقتی خدا وابستگی خاصی به کسی ندارد؛ در هستی کسی بی‌علت بیش از دیگران به خدا نزدیک نیست. پس خدا نه خویشی دارد؛ نه سایه‌ای، نه امینی، نه خزانه‌داری، نه همتایی و نه ابزار خاصی. مردمان چون دندانه‌های شانه در برابرش مساوی‌اند. بنابراین، هر انسانی به اندازه عملش یا به تعبیر قرآن بر اساس یکی از موازین سه‌گانه به خدا نزدیک می‌شود: بر اساس تقوا، جهاد یا عمل. طبقات اجتماعی هیچ تفاوتی نزد خداوند ندارند» (صدر ۱۳۹۰). بنابراین، با توجه به تفسیر این سوره توسط امام موسی صدر می‌توان دریافت که یکی از معیارهای اصلی کرامت انسانی در نزد آن بزرگوار، مساوی بودن افراد نزد خداوند می‌باشد.

۴. رسیدگی به امور مردم

بر اساس دیدگاه سیدموسی صدر، یکی از معیارهای کرامت انسانی، رسیدگی به امور مردم می‌باشد. او در کتاب برای زندگی و در تفسیر سوره ماعون بیان می‌دارد که «حقیقت این است که هنگامی که آیات را می‌خواندم، گویی مطلب نوی یافته‌ام که پیش از این تصور نمی‌کردم؛ زیرا از آموزه‌های اسلامی و روایات پیامبر(ص) معنایی نزدیک به معنای این آیات در می‌یافتیم. در حدیث آمده است: «مَا أَمَّنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَ جَاؤُهُ جَائِعٌ». از این حدیث در می‌یافتیم که پیوندی ژرف میان ایمان به خدا و رسیدگی به امور مردم وجود دارد. ایمان اسلامی ایمانی انتزاعی نیست که فقط مخصوص قلب و احساس آدمی باشد. ایمان اسلامی بی‌آنکه این ایمان در عمل و ذات و پیرامون آدمی و رسیدگی به امور مردم تجلی یابد؛ او را به آفریننده‌ی هستی پیوند نمی‌زند. این مسئله را از حدیث دیگری از امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) نیز دریافتیم. از حضرت علی پرسیدند که آیا پروردگارت را می‌بینی؟ او گفت: «مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَهُ» سپس از حضرت پرسیدند که با چشمان سر می‌بینی؟ او گفت: «لَمْ تَرَهُ الْعَيْنُونَ بِمُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَلَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ». از این روایات در می‌یافتیم که پیوندی ژرف میان ایمان به خدا و خدمت به مردم و تلاش برای سعادت آنان هست: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ اما در قرآن

۱. وحدت و یگانگی جامعه

براساس دیدگاه‌های امام موسی صدر، یکی از معیارهای کرامت انسانی، وحدت جامعه است. آنگونه که امام در تفسیر سوره‌ی اخلاص توضیح می‌دهد؛ «وقتی که خداوند نسبت به همه یکی است؛ و سر منشا همه نیز یکی است؛ احساس یگانگی جامعه به انسان دست می‌دهد و انسان با این دریافت هر چیزی جز خدا را واجد نقض و در مسیر کمال می‌بیند. از همین رو، دیگران را معذور می‌دارد و خود را در برابر تصویری خوب و نیکو و همراه با حسن ظن در برابر دیگران می‌یابد. از این همه است که این سوره ثلث قرآن یا ثلث اول اسلام دانسته شده است؛ زیرا اصول سه‌گانه اسلام توحید و نبوت و معاد است. عبادت جز برای خدا نیست و جز به درگاه خدا روا نیست. زیرا میان آدمیان تفاوتی وجود ندارد» (صدر ۱۳۹۰، ۵۳). بنابراین، مشاهده می‌شود که موضوع وحدت جامعه از معیارهای کلیدی مد نظر امام موسی صدر است. جایگاه این معیار، در سیره‌ی عملی او نیز قابل تشریح است.

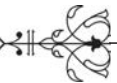
۲. امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها

یکی دیگر از معیارهای کرامت انسانی از دید امام موسی صدر، فراهم بودن امان پیشرفت برای همه انسان‌ها می‌باشد. او در تفسیر سوره مبارک اخلاص بیان می‌دارد که «توحید اخلاقی خاص و صفای ذهن و احساسی وحدت بخش در بشر به وجود می‌آورد. این سوره، افزون بر عقیده توحید که ثلث اسلام و قرآن است، تصویری از جامعه و روابط میان انسان‌ها و بی‌نیازی از غیرخدا و رویگردان از عبادت غیرخدا و نیز امکان پیشرفت هر انسانی و در هم شکستن همه موانع ارائه می‌دهد». پس از جمله معیارهای کرامت انسانی مورد توجه امام موسی صدر، امکان پیشرفت همه‌ی انسان‌ها است که در سیر عملی او نیز قابل بیان می‌باشد.

۳. مساوی بودن افراد نزد خدا (مگر برتری به سبب تقوا، جهاد و علم)

معیار دیگر کرامت انسانی بر اساس آرای امام موسی صدر مساوی بودن افراد نزد خدا (مگر برتری به سبب تقوا، جهاد و علم) می‌باشد که تأکیدی زیادی بر آن دارند. ایشان در تفسیر بخش پایانی سوره اخلاص اظهار دارند که «خداوندی که این سوره وصف می‌کند؛ نسبتی با کسی ندارد. با چیزی





«تنها کسانی آزادی انسان را محدود می‌کنند که به فطرت آدمی کافر باشند؛ فطرتی الهی که انسان بر آن خلق شده و پیامبر باطنی و درونی انسان است» (صدر ۱۳۹۰).

امام صدر، دو مفهوم «آزادی کامل» و «آزادی حقیقی» را با یکدیگر متفاوت می‌داند و این تفاوت، بیش از آن که بیانگر دو «نوع» آزادی باشد؛ در واقع دو مرحله همراه و هماهنگ با یکدیگر را ترسیم می‌کند؛ که هر یک زیربنای دیگری قرار می‌گیرد. بنابر آن چه امام بدان اشاره دارد؛ «آزادی حقیقی» آن است که آدمی باید برای تحقق آن بکوشد تا حقیقت وجودی خویش را تثبیت کند و آن را به مقتضای ایمان فعال سازد. این نوع آزادی در گرو رهایی انسان از «عوامل فشار بیرونی و فشار درونی است»، چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «آزاده کسی است که خواهش‌های نفسانی را رها کند». امام صدر در تبیین معنای این نوع آزادی چنین می‌فرماید: «آزادی حقیقی عبارت است از رها شدن از دیگران و رها شدن از خویشتن. با چنین تعبیری از آزادی، می‌توان آزادی را نامحدود دانست؛ زیرا آن نوع آزادی که با آزادی دیگران تداخل پیدا می‌کند نفس‌پرستی و پیروی از هواهای نفسانی است» (صدر ۱۳۹۰).

«آزادی کامل»، از نگاه سیدموسی صدر، جوهری است که رفتارهای مبتنی بر آزادی و اصول برخورد با مسائل مربوط به آن‌ها، از آن سرچشمه می‌گیرد. «آزادی کامل» در واقع «بها»ی آزادی، «معیار» رفتار در سایه آزادی و «مینای» مواجهه انسان با آن است. از دیدگاه امام صدر، آزادی کامل همان «حق» است که از جانب خداوند نازل شده و حد و مرزی ندارد.

بر اساس آنچه گفته شد؛ امام موسی صدر، وجود آزادی در زندگی همه انسان‌ها را یک «اصل» می‌داند و با بیان راه و روش‌هایی که موجب سلب آزادی می‌گردد؛ پیکار بشریت در برابر عوامل سلب و نفی آزادی را مورد توجه قرار می‌دهد و بر این نکته تاکید می‌کند که آن چه امروزه گریبان‌گیر بشریت گردیده؛ سوغات اردوگاه سیاسی غرب است. از نگاه ایشان، پدیده‌هایی همچون سلطه سیاسی واحد، تحت عنوان «جهانی‌سازی» و اصطلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن، به کلی مردود است و بشریت باید با برپایی

آیاتی به این صراحت ندیده بودم؛ با اینکه بارها پیش از این سوره‌ی ماعون را خوانده بودم» (صدر ۱۳۹۰).

از بیان این مطالب می‌توان اذعان کرد که این معیار به‌عنوان یکی از معیارهای کرامت انسانی مورد توجه امام موسی صدر بوده و این مهم را می‌توان در سیره عملی ایشان هم تشریح کرد.

۵. مسئولیت همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر

از دیگر معیارهای کرامت انسانی مورد توجه امام صدر، مسئولیت همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر می‌باشد. آن‌گونه که ایشان در تفسیر سوره ماعون توضیح می‌دهند: «فقیر از گرسنگی، بیماری، جهل، تغذیه‌ی سوء، نداشتن مسکن، نبود نور و هوای کافی در خانه، نبود سلامتی در منطقه، نبود پزشک، آب آلوده و بسیاری از این قبیل چیزها می‌میرد؛ نه فقط به سبب گرسنگی. اینها همه مرگ است. مرگ مردم به سبب فقر. بنابراین، اگر در جایی کسی بمیرد، خداوند همه اهالی آنجا را مسئول می‌داند. این سخن بدین معناست که عقب‌ماندگی مردم منطقه‌ای که به مرگ کسی می‌انجامد؛ مسئولیت فرد فرد اهالی آن منطقه است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ». «القری» یعنی گروه‌های انسانی، چه به صورت قبیله، چه به صورت روستا و یا شهر. پس مؤمن به خدا مسئولیت‌های اجتماعی‌اش را بر عهده می‌گیرد و ایمانش مستلزم توجه به جامعه است. [...] ایمان ما با زندگی عادی ما کاملاً در پیوند است. فعالیت‌های اجتماعی ما از ایمان به خدا سرچشمه می‌گیرد. این است ایمان درست، ایمان زنده، ایمان تپنده و غیر از این ایمان مرده است» (صدر ۱۳۹۰). بنابراین مشاهده می‌شود که مسئولیت همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر از معیارهای کرامت انسانی مورد توجه امام است.

۶. آزادی انسان

آزادی انسان را می‌توان به عنوان یکی دیگر از معیارهای کرامت انسانی مورد نظر امام موسی صدر بیان کرد. با توجه به دیدگاه، ایشان، «آزادی» یکی از پایه‌هایی است که ایمان بر آن استوار می‌گردد و برای دستیابی به منافع انسان و برای اثبات ایمان به پروردگار و آفرینندگی او، باید بدان اتکا کرد و امام صدر در گفته‌های خود، آشکارا به این نکته اشاره می‌کند:





دستی آموزش می‌دادند. «آموزشگاه پرستاری» نیز ویژه دخترانی بود که پس از اخذ دیپلم، زیر نظر استادان باتجربه آموزش پرستاری می‌دیدند و پس از فراغت از تحصیل، به مراکز بهداشتی، درمانی و بیمارستانی اعزام می‌شدند. موسسه بهداشتی و درمانی «مدینه‌الطب» نیز به بسیاری از روستاهای محروم جنوب لبنان خدمات درمانی و بهداشتی ارائه می‌داد. در «مؤسسه قالیبافی» بیش از سیصد دختر شیعه از جبل عامل مشغول فراگیری قالیبافی بودند که با فروش قالی‌ها و سود حاصله از آن، اوضاع محرومان و بی‌سرپرستان لبنان بهبود می‌یافت. «معهد الدراسات الاسلامیه» (مرکز بررسی‌های اسلامی) نیز موسسه‌ای فرهنگی بود که به تربیت طلاب علوم دینی از لبنان، کشورهای افریقایی، اندونزی، چین، تایلند و ژاپن می‌پرداخت و طلاب فاضلی از این حوزه، فارغ‌التحصیل شدند.

پس از چند سال فعالیت مستمر فرهنگی و اجتماعی، امام صدر در صدد برآمد مرکزی را همانند مراکز سایر گروه‌های قومی و مذهبی لبنان برای شیعیان به وجود آورد تا از حقوق طبیعی و اجتماعی آنها حراست نماید. بدین منظور به پیشنهاد وی، نمایندگان شیعیان در مجلس شورای لبنان، طرحی قانونی در روز ۶ صفر ۱۳۸۷ / ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۶ تقدیم کردند که بر اساس آن، شیعیان اجازه یافتند تشکیلاتی به نام «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» (مجلس اعلای اسلامی شیعه) تأسیس نمایند که پس از گذراندن مراحل قانونی، این مجلس در تابستان ۱۳۸۹ ق / ۱۳۴۸ به طور رسمی و قانونی شروع به فعالیت کرد و در ۶ ربیع‌الاول آن سال / ۱۰ تیر ۱۳۴۸ وی به عنوان نخستین رئیس مجلس اعلای شیعیان انتخاب گردید.

علاوه بر این، امام موسی صدر برای حفظ و حراست و سازماندهی فرماندهی، عقیدتی و سیاسی محرومان مسلمان لبنان، سازمان «حرکه المحرومین» را ایجاد کرد که با استقبال عموم اهالی جنوب واقع شد و در دیگر شهرها نیز مشتاقان زیادی داشت. در ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۹۵ ق / ۱۵ تیر ۱۳۵۴ وی طی یک سخنرانی، خبر ایجاد سازمانی نظامی (امل) و متشکل از نیروهای مردمی جهت حفاظت از سرزمین لبنان را اعلام داشت. این سازمان - که شاخه نظامی

یک «جهاد» و مبارزه انسانی، با آن به نبرد برخیزد و خود را از بند آن نجات بخشد. چرا که این سیاست‌ها، روشی برای سلب آزادی انسان، و تلاشی خبیثانه در جهت جلوگیری از تحقق اراده مقدس الهی در آفرینش انسان و هدف اوست.

ب) سیره‌ی عملی

۱. نهادسازی برای توانمندسازی محرومان

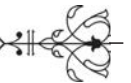
ورود سیدموسی صدر به لبنان خلاء رهبری پر قدرت شیعیان را پر کرد. سیدموسی صدر با آغاز اقدامات خود از ابتدای دهه ۱۹۶۰ م. تا اواخر دهه ۱۹۷۰ م. موجب تغییرات بنیادی در زندگی شیعیان گردید. عمده این اقدامات عبارتند از:

۱. تأسیس مراکز و مؤسسه‌های خاص شیعیان جهت بهبود وضع معیشتی و فرهنگی آنان، ۲. تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان به عنوان اولین مرکز قانونی شیعیان با هدف تنظیم امورات مربوط به طایفه، ۳. اخذ امتیازات از دولت مرکزی و تأسیس مجلس جنوب در راستای بهسازی هر چه بیشتر اوضاع اجتماعی و اقتصادی شیعیان، ۴. برقراری ارتباط با سران کشورهای مختلف در جهت ایجاد صلح در لبنان، ۵. توجه و پی‌گیری مسئولیت‌های ملی و صیانت از استقلال و تمامیت ارضی لبنان، ۶. تأسیس نخستین سازمان غیردولتی شیعیان (حرکت المحرومین)،

۷. تأسیس نخستین سازمان شبه نظامی شیعیان (امل).

با رבוده شدن سید موسی صدر و غیبت وی در صحنه سیاسی لبنان، سازمان دچار تحولات عمده‌ای شد. سیدموسی صدر، در نخستین سال‌های اقامت خود، «جمعیت بر و احسان» را تأسیس کرد. اعضای این جمعیت خیریه، خود مردم بودند که با کمک‌های مالی داوطلبانه - که هر ماه پرداخت می‌کردند - بودجه صندوق را تأمین می‌نمودند. با همین بودجه، ده‌ها نفر از فقرا و مستمندان شیعه، سنی و مسیحی از کوچه‌ها و خیابان‌ها جمع آوری و به کارهای آبرومندانه مشغول شدند. همچنین تعداد قابل توجهی از مسلمانان و مسیحیان لبنان، به ویژه زنان به طور رایگان و داوطلبانه به مداوا و خدمت در این موسسه خیریه پرداختند. مؤسسه دیگر. «بیت الفتاه» (خانه دختران) بود که در آنجا به دختران بی سرپرست و مستمند، خیاطی و هنرهای





بخش در میان اقوام و مذاهب» قابل تجمیع است. به این ترتیب، با تغییر جزئی در ادبیات برخی معیارها در جهت انطباق با نحوه‌ی ارزیابی سیاست‌ها، می‌توان هفت معیار زیر را برای ارزیابی کرامت انسانی در سیاست‌های توسعه شهری پیشنهاد کرد:

۱. حفظ و ارتقای وحدت در جامعه
۲. ایجاد امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها
۳. مساوی دانستن افراد مگر به سبب برتری در تقوا، جهاد و علم
۴. رسیدگی به امور مردم
۵. مسئولیت‌پذیری همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر
۶. رعایت آزادی‌های انسانی

۷. نهادسازی برای توانمندسازی محرومان
مطالعه موردی: راهبرد نوسازی شهری در تهران
طرح جامع شهر تهران، که نام دقیق‌تر آن «طرح راهبردی- ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران- ۱۳۸۶)» است؛ در سال ۱۳۸۶ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران رسید و در سال ۱۳۸۷، از سوی شهردار تهران به معاونان شهردار و شهرداران مناطق بیست‌ودوگانه‌ی شهرداری ابلاغ شد. این طرح، بنا داشته است که چشم‌انداز، اهداف و راهبردهای اصلی توسعه شهر تهران را برای افقی بیست‌ساله مشخص نماید. سند اصلی طرح جامع تهران، در ۹ سرفصل تعریف می‌گردد که عبارت‌اند از:

۱. چشم‌انداز توسعه شهر
 ۲. راهبردهای توسعه
 ۳. محدوده شهر
 ۴. حریم شهر
 ۵. سازمان فضایی و پهنه‌بندی
 ۶. ضوابط و مقررات ساخت‌وساز
 ۷. طرح‌های موضوعی و موضعی
 ۸. شرایط تحقق‌پذیری
 ۹. سازوکارهای اجرا
- علاوه بر این ۹ سرفصل سند اصلی طرح جامع، دو موضوع «اهداف» (سطح بین چشم‌انداز و راهبردها) و «جمعیت

حرکه المحرومین بود- زیر نظر دکتر مصطفی چمران اداره می‌شد و علاوه بر آموزش‌های چریکی به جوانان لبنانی، صدها نفر از جوانان سایر کشورهای اسلامی، از جمله ایران نیز اردگاه‌های نظامی آن، دوره‌های آموزشی می‌گذراندند. امام موسی در جریان جنگ داخلی لبنان، حمایت خود را از مبارزان فلسطینی اعلام داشت و به دولت و ارتش لبنان نسبت به سرکوب و کشتار فلسطینی‌ها هشدار داد. سرانجام با وساطت او، آتش‌بس میان دولت لبنان و احزاب دست راستی با فلسطینی‌های ساکن لبنان برقرار شد. او چند بار دیگر و با گفت‌وگوهای طولانی با رهبران و احزاب مسیحی و فلسطینی و حتی تهدید احزاب دست راستی و دست چپی لبنان، از جنگ و کشتار میان طرف‌های درگیر جلوگیری کرد.

۲. اقدامات وحدت‌بخش در میان اقوام و مذاهب

در سیره‌ی عملی امام موسی صدر، اقدامات و رفتارهای مختلفی قابل اشاره است که در جهت ایجاد وحدت میان اقوام و مذاهب مختلف ساکن در لبنان انجام شده‌اند. برای مثال، هاشم الهاشم، فرزند یکی از دوستان امام موسی صدر، در بیان خاطره‌ای از امام صدر، چنین می‌گوید: در یک روز پس از اقامه نماز جمعه، امام صدر گفت که می‌خواهیم جایی برویم. جمعی با ایشان همراه شدند که من هم جزو آنان بودم. رفتیم تا رسیدیم به بستنی فروشی آنتیبای مسیحی، امام به آنتیبا گفت که ما آمده‌ایم در اینجا بستنی بخوریم. آنگاه اول امام و بعد همه حاضران از بستنی‌های آنتیبا خوردند. این کار امام خیلی صدا کرد. گویا یک بستنی‌فروش شیعه این‌گونه تبلیغ کرده بود که چون آنتیبا مسیحی است؛ شرعاً نمی‌توان از بستنی‌های او خورد چرا که اهل کتاب پاک نیستند. و البته این سخن براساس نظر برخی علما عنوان شده بود؛ اما امام - که معتقد به طهارت اهل کتاب بود- تنها به بیان نظر فقهی خود اکتفا نکرد و عملاً اقدامی را انجام داد که بازتاب گسترده‌ای در جامعه آن روز لبنان داشت.

ج) جمع‌بندی: معیارهای کرامت انسانی

آن گونه که شرح آن رفت؛ در مجموع ۶ معیار کرامت انسانی در آراء نظری و دو معیار در سیره‌ی عملی امام صدر قابل استحصاء است. از این میان، معیار «وحدت و یگانگی جامعه» که یکی از معیارهای نظری است، با معیار «اقدامات وحدت



به جای آنکه تراز مالی برای کل شهر تهران تعریف شود؛ این تراز مالی برای محدوده‌های بافت‌های فرسوده تعریف می‌شود. این نگاه به روشنی نگاهی لیبرالیستی و مبتنی بر بازار آزاد است که البته با مبانی نظری راهبرد ۶-۱۱-۲ در تضاد جدی است^{۱۴}. به نظر نمی‌رسد که طرح جامع بتواند از یک سو منافع عمومی را بر منافع خصوصی ارجحیت دهد و از سوی دیگر، مشکلات بافت‌های فرسوده را به خود این بافت‌ها بسپرد^{۱۵}. ظاهراً طرح جامع تهران برای این التقاط و تناقض ایدئولوژیک راه‌حلی ارائه نمی‌کند.

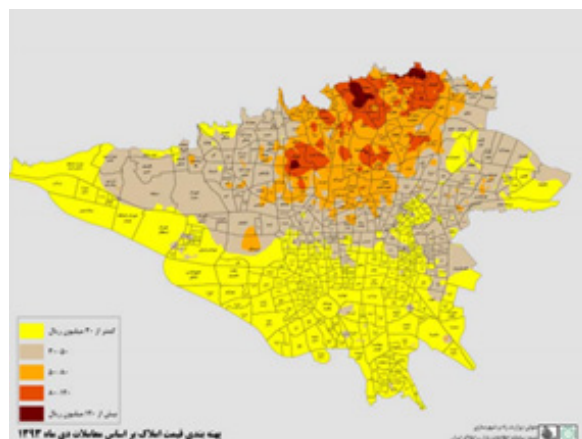
این در حالی است که موضوع کرامت انسانی - به‌ویژه در محلات فرسوده تهران - می‌تواند مورد توجه جدی سیاست‌گذاران قرار گیرد. بیشتر بافت‌های فرسوده در مرکز و جنوب شهر تهران واقع شده‌اند و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نابرابری جدی میان شمال و جنوب شهر تهران وجود دارد. نقشه‌های زیر، برخی از وجوهی که در پیشینه‌ی موضوع تدوین شده‌اند و احتمالاً بر ضعف در کرامت انسانی و شکاف طبقاتی میان شمال و جنوب تهران استدلال دارند را نشان می‌دهد. گرچه تهیه نقشه‌ای که کرامت انسانی را در محلات مختلف شهر تهران نشان دهد؛ نیازمند پیمایش و مطالعات مستقلی است.

شهر «نیز در مصوبه‌ی شورای عالی قید شده‌اند که در مجموع ۱۱ سرفصل را تشکیل می‌دهند. در بخش «راهبردهای توسعه» طرح جامع در مجموع، از ۱۰۴ راهبرد برخوردار است که در ۱۷ سرفصل کلی دسته‌بندی شده‌اند. یکی از این سرفصل‌ها «بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران» است. در متن سند طرح جامع تهران، ذیل راهبرد ۳-۱۷-۲ چنین آمده است: «تهیه‌ی طرح‌های ویژه‌ی توسعه یکپارچه برای محلات و بافت‌های فرسوده‌ی شهر (مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران)، با رویکرد اقتصادی مؤثر و رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی در شرایط تراز مالی صفر برای شهرداری تهران و با انجام مطالعات امکان‌سنجی مورد نیاز قبل از تهیه طرح مداخله با بهره‌برداری از عرصه‌های ذخیره‌ی نوسازی شهری به طور همزمان در قالب طراحی واحد».

در این راهبرد، عبارت «شرایط تراز مالی صفر برای شهرداری تهران» حائز اهمیت زیادی است. این عبارت بدین معناست که قرار نیست شهرداری تهران از درآمدهای خود در بافت‌های غیرفرسوده، در جهت نوسازی بافت‌های فرسوده هزینه کند. به عبارت دیگر، طرح جامع مشکلات محرومان را به خود آن‌ها می‌سپارد و ثروتمندان را به یاری نمی‌خواند.

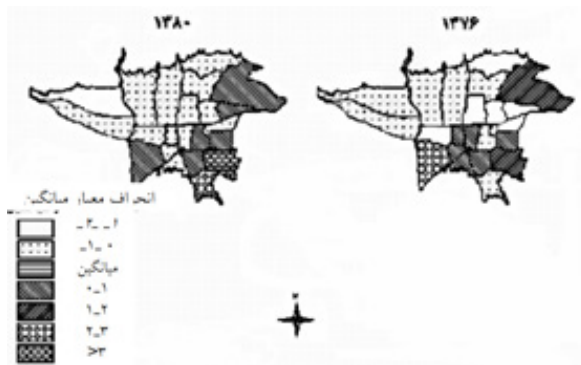


نقشه ۲. توزیع فضایی سطوح توسعه‌یافتگی مناطق مختلف شهر تهران (مأخذ: صادقی و زنجری ۱۳۹۶، ۱۷۹)



نقشه ۱. وضعیت نابرابری در قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در شهر تهران به تفکیک بلوک‌های شهری، دی ۱۳۹۳ (مأخذ: عبدی‌دانشپور و شفیعی ۱۳۹۷، ۲۸۳)



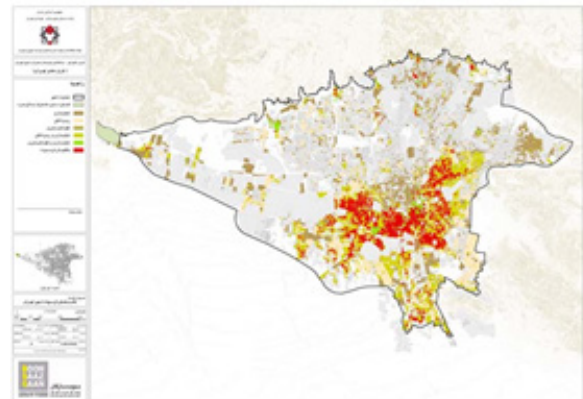


نقشه ۴. شاخص فقر در مناطق شهر تهران (مأخذ: مرصوصی ۱۳۸۳)

جایی برای اضافه کردن خدمات نیست و فضا اشباع کامل است. این در حالی است که در جنوب شهر کمبود خدماتی وجود دارد. این سیاست یعنی زندگی مردم جنوب شهر بهتر نمی‌شود. اما خدمات به شمال شهر می‌روند که هم پول، هم زور و هم زمین در آن جا وجود دارد» (نقل از شکوهی ۱۳۹۳). به عبارت دیگر می‌توان گفت که سیاست تراز مالی صفر در نوسازی بافت فرسوده به کاهش حس وحدت در شهر منجر می‌گردد. نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان نیز، به تأیید این مطلب پرداخته‌اند. برای مثال جمشیدپور معتقد بوده است که راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع باعث ایجاد توازن نگردیده است و در نتیجه وحدت نیز شکل نگرفته است. هر چند برخی دیگر از صاحب‌نظران، به عدم تحقق طرح به عنوان عاملی دیگر اشاره کرده‌اند که امکان تصریح چنین دیدگاهی را محدود می‌سازد (رجوع شود به پیوست الف).

۲. ایجاد امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها: حمزه شکیب (نماینده سابق شورای اسلامی شهر تهران) از موضوع عدم اهتمام شهرداری به ایجاد فرصت و امکانات برای ساکن جنوب شهر تهران گلایه دارد و معتقد است که «فاصله‌ی شمال و جنوب شهر هر روز بیشتر می‌شود. در حال حاضر هزینه‌های شمال و جنوب شهر تهران یکسان نیست. بودجه کل منطقه‌ی ری تنها بخشی از هزینه‌ی یک پروژه در شمال شهر است» (شکوهی بیدهندی ۱۳۹۳).

۳. مساوی دانستن افراد (مگر به سبب برتری در تقوا، جهاد و علم): طرح جامع، میان ساکنان بافت فرسوده و ساکنان



نقشه ۳. موقعیت بافت‌های فرسوده در شهر تهران که عمدتاً در مرکز و جنوب شهر واقع شده‌اند.

ارزیابی راهبرد نوسازی شهر تهران در انطباق با معیارهای کرامت انسانی مبتنی بر آرای امام موسی صدر آن‌گونه که اشاره شد؛ ارزیابی کرامت انسانی مبتنی بر آرای امام موسی صدر می‌تواند با هفت معیار صورت گیرد. این معیارها، در قالب یک فرم مصاحبه، تبدیل به محورهایی برای با متخصصان گردید. بدین منظور ۱۵ نفر از کارشناسان صاحب نظر در حوزه‌ی نوسازی شهری و طرح جامع تهران، مورد مصاحبه واقع شدند. نحوه‌ی انتخاب نمونه‌ها، به صورت نمونه‌گیری هدفمند بوده و انتخاب صاحب نظران از میان مدیران و کارشناسان دو سازمان ذی‌مدخل در موضوع مقاله‌ی حاضر، یعنی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، به عنوان متولی طرح جامع تهران (۸ نفر) و سازمان نوسازی شهر تهران، به عنوان متولی نوسازی (۷ نفر) بوده است. نتایج مصاحبه‌ها در جدول پیوست آمده است (پیوست الف). با استناد به نتایج این مصاحبه‌ها، در ادامه وضعیت هفت معیار کرامت انسانی (مستخرج از آرای امام موسی صدر) در خصوص راهبرد اقتصادی تراز مالی صفر در نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهر تهران تحلیل خواهد شد:

۱. حفظ و ارتقای وحدت در جامعه: سیاست نوسازی پیشنهادی طرح جامع، موجب افزایش بی‌عدالتی و شکاف طبقاتی میان شمال و جنوب تهران خواهد شد. آن‌گونه که ناصر براتی می‌گوید: «سیاست طرح جامع درباره‌ی جنوب شهر این است که جمعیت تثبیت شود. این سیاست خیانت به مردم جنوب شهر است. زیرا در جنوب شهر، تراکم بسیار شدید است و





طرف دیگر، در شهر تهران که بسیاری از بافت‌های فرسوده در مرکز شهر واقع شده‌اند و همه‌ی شهروندان تهرانی از خدمات و فضاهای موجود در این محدوده‌ها استفاده می‌کنند؛ مسئولیت شهروندان در قبال نوسازی این بافت‌ها بیشتر معنا می‌یابد. با وجود روشن بودن چنین استدلالی، طرح جامع مسئولیت همه‌ی مناطق شهر در مقابل مشکلات طبقه‌ی ضعیف ساکن در بافت‌های فرسوده را به رسمیت نمی‌شناسد. تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان در مقاله حاضر نیز (پیوست الف)، معتقد بودند که راهبرد اقتصادی نوسازی با تراز مالی صفر که در طرح جامع تهران مطرح شده، موجب مسئولیت‌پذیری اهالی شهر نسبت به یکدیگر نخواهد شد.

۶. رعایت آزادی‌های انسانی راهبرد اقتصادی نوسازی با تراز مالی صفر: به صورت مستقیم بحثی درباره‌ی آزادی‌های انسانی مطرح نمی‌کند. گرچه ممکن است اینگونه استدلال شود که تفاوت‌های طبقاتی و وجود محرومیت، روح آزادگی را در شهر زیر سوال می‌برد. اکثر پرسش‌شوندگان (پیوست الف) نیز معتقد بودند که طرح جامع در خصوص معیار آزادی‌های انسانی بحث خاصی ندارد.

۷. نهادسازی برای توانمندسازی محرومان: اگرچه امروزه سازمان نوسازی شهر تهران، نهادسازی و ایجاد دفاتر خدمات نوسازی را در دستور کار قرار داده است؛ اما واقعیت این است که این راهبرد محصول طرح جامع شهر تهران نیست. طرح جامع، پیشنهادی برای نهادسازی برای توانمندسازی ساکنان در بافت فرسوده ارائه نمی‌کند و اساساً توانمندسازی را به نوسازی کالبدی آن هم بدون صرف هزینه تقلیل داده است. چنانکه برای مثال، مهران جمشیدپور، از پرسش‌شوندگان مطالعه‌ی حاضر (پیوست الف)، در پاسخ به این پرسش که «آیا راهبرد نوسازی شهری طرح جامع پیشنهادی برای نهادسازی جهت توانمندسازی ساکنان در بافت فرسوده ارائه کرده است؟»، تصریح می‌کند «خیر، البته قابل ذکر است که بحث نهادسازی در ماموریت دفاتر خدمات نوسازی در دست اقدام است».

محدوده‌های خارج از بافت فرسوده تفکیک قائل شده است. آنگونه که سید امیر منصوری می‌گوید: «اقدامات طرح جامع باعث شده رشد زمین‌های شمال شهر بیشتر از رشد قیمت در جنوب شهر باشد. این تبعیض است و جلوه‌ای از بی‌عدالتی است» (همان). نوسازی با تراز مالی صفر در بافت‌های فرسوده بدین معناست که فقرا به حال خودشان رها می‌شوند و شهروندان ساکن در بافت‌های غیرفرسوده، مشارکتی در نوسازی شهر نخواهند داشت. مصاحبه‌های انجام شده در این مقاله نیز، تا حدودی موید این مطلب است. برای مثال محمدرضا ابراهیمی معتقد بوده است که طرح جامع، اگر چه ادعا و خواسته‌های را برای ایجاد برابری مطرح می‌کند، اما توفیقی در این امر نداشته است (پیوست الف).

۴. رسیدگی به امور مردم: یکی از نگرانی‌های راهبردی در شهر تهران، نگرانی از وقوع زلزله‌ی احتمالی است. به ویژه متخصصان، بر اثر احتمالی چنین زلزله‌ای بر ابنیه‌ی غیرمقاوم در بافت‌های فرسوده تأکید دارند. این در حالی است که طرح جامع شهر تهران نوسازی را به عنوان یکی از اهداف توسعه‌ی شهر تهران برنمی‌شمارد (منصوری ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، نوسازی بافت‌های فرسوده یکی از مصادیق جدی رسیدگی به امور مردم است. هر نوع اهمال در این امر، به معنی در نظر نگرفتن کرامت انسانی شهروندان است. برخی از مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر نیز (برای مثال بصیری مؤدبی)، از آنجا که طرح جامع را نسبت به مسائل جدی اجتماعی بیتفاوت ارزیابی کرده‌اند؛ عدم توفیق طرح در جهت این معیار را یادآور شده‌اند (پیوست الف).

۵. مسئولیت‌پذیری همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر شاید بارزترین معیار از کرامت انسانی که در تضاد با راهبرد تراز مالی صفر در نوسازی بافت‌های فرسوده قرار دارد، معیار مسئولیت‌پذیری همه‌ی اهالی شهر نسبت به یکدیگر است. چنان که اشاره شد، امام صدر معتقد بود که عقب‌ماندگی مردم یک منطقه به عهده‌ی فرد فرد ساکنان آن منطقه است. این عبارت دقیقاً به معنی این است که اگر بخشی از یک شهر با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و مواردی مشابه اینها مواجه است - به قسمی که به عنوان بافت فرسوده خوانده می‌شود - همه‌ی ساکنان نسبت به آن مسئولند. از





جدول ۳. جدول نتایج ارزیابی کرامت انسانی در اجرای راهبرد تراز مالی صفر در نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهر تهران (مأخذ: نگارندگان)

معیار	راهبرد تراز مالی صفر، اثر مثبت بر این معیار دارد.	راهبرد تراز مالی صفر، اثری بر این معیار ندارد.	راهبرد تراز مالی صفر، اثر منفی بر این معیار دارد.	توضیحات
۱. حفظ و ارتقای وحدت در جامعه			*	با توجه به تراکم جمعیت و کمبود خدمات در مناطق فرسوده و جنوبی شهر، اجرای راهبرد نوسازی با تراز مالی صفر موجب کاهش توازن می‌شود و از وحدت جامعه می‌کاهد.
۲. ایجاد امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها			*	واگذار کردن مسائل بافت فرسوده به خودشان و عدم مشارکت سایر مناطق در تأمین مالی نوسازی، موجب تشدید نابرابری و افزایش شکاف طبقاتی می‌شود و فرصت و امکانات را برای ساکنان جنوب شهر تهران ایجاد نمی‌کند؛ بلکه خدمات را به شمال شهر می‌برد.
۳. مساوی دانستن افراد مگر به سبب برتری در تقوا، جهاد و علم			*	طرح جامع، اگر چه ادعا و خواسته‌ای را برای ایجاد برابری مطرح می‌کند؛ اما توفیقی در این امر نداشته است. نوسازی با تراز مالی صفر در بافت‌های فرسوده بدین معناست که فقرا به حال خودشان رها می‌شوند و شهروندان ساکن در بافت‌های غیرفرسوده، مشارکتی در نوسازی شهر نخواهند داشت.
۴. رسیدگی به امور مردم			*	نوسازی بافت‌های فرسوده یکی از مصادیق جدی رسیدگی به امور مردم است. طرح جامع شهر تهران نوسازی را به عنوان یکی از اهداف توسعه‌ی شهر تهران برنمی‌شمارد. طرح جامع نسبت به مسائل جدی اجتماعی بی‌تفاوت است.
۵. مسئولیت‌پذیری همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر			*	امام صدر معتقد بود که عقب‌ماندگی مردم یک منطقه به عهده‌ی فرد ساکنان آن منطقه است؛ اما طرح جامع مسئولیت همه‌ی مناطق شهر در مقابل مشکلات طبقه‌ی ضعیف ساکن در بافت‌های فرسوده را به رسمیت نمی‌شناسد.
۶. رعایت آزادی‌های انسانی		*		اکثر پرسش‌شوندگان (پیوست الف) معتقد بودند که طرح جامع در خصوص معیار آزادی‌های انسانی بحث خاصی ندارد.
۷. نهادسازی برای توانمندسازی محرومان		*		گر چه سازمان نوسازی شهر تهران، نهادسازی و ایجاد دفاتر خدمات نوسازی را در دستور کار قرار داده؛ اما این راهبرد محصول طرح جامع تهران نیست. طرح جامع، پیشنهادی برای نهادسازی برای توانمندسازی ساکنان در بافت فرسوده ارائه نمی‌کند.





بحث و نتیجه‌گیری

طرح جامع تهران، تقریباً اشاره‌ای به بحث کرامت انسانی و یا حتی توانمندسازی نداشته است. اشاره‌ی این طرح، منحصرأ به موضوع نوسازی بوده است که این اشاره نیز، با پرهیز از صدور پیشنهاد جدی همراه است. طرح موضوع نوسازی با تراز مالی صفر در بافت‌های فرسوده، آن‌چنان که اشاره شد؛ بدین معناست که شهروندان ساکن در بافت‌های غیرفرسوده، مشارکتی در نوسازی شهر نخواهند داشت. نگاه مبتنی بر کرامت انسانی، بر این اصل استوار است که کسانی که در طبقات اقتصادی و اجتماعی بالاتری قرار گرفته‌اند، بیشتر از سایر افراد از فرصت‌های موجود در جامعه بهره‌مند می‌شوند. در نتیجه، اگر افراد مرفه به توانمندسازی جامعه کمک کنند؛ در حقیقت به خود کمک کرده‌اند. اما نگاه مبتنی بر نوسازی با تراز صفر برای مدیریت شهری، نافی این طرز تلقی خواهد بود.

از سوی دیگر، انحصار موضوع توانمندسازی به نوسازی شهری (آن هم با تلقی کالبدی مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری که مبتنی بر سه شاخص نفوذپذیری، مقاومت سازه‌ای و دانه‌بندی بافت است)، تقلیل موضوع به

امر کالبدی به حساب می‌آید.

بحث بر روی شاخص‌های کرامت انسانی، مبتنی بر تعریفی که امام موسی صدر در این خصوص ارائه می‌کند؛ نشان داد که راهبرد تراز مالی صفر در نوسازی شهر تهران که مد نظر طرح جامع است، به اعتدالی هیچ یک از معیارهای کرامت انسانی در شهر کمکی نمی‌کند. این راهبرد، بر معیارهای «حفظ و ارتقای وحدت در جامعه»، «ایجاد امکان پیشرفت برای همه انسان‌ها»، «مساوی دانستن افراد مگر به سبب برتری در تقوا، جهاد و علم»، «رسیدگی به امور مردم» و «مسئولیت‌پذیری همه اهالی شهر نسبت به یکدیگر» اثر منفی داشته است و بر دو معیار «رعایت آزادی‌های انسانی» و «نهادسازی برای توانمندسازی محرومان» نیز اثر روشنی نداشته است. در نهایت می‌توان گفت چنین راهبردی انطباقی با کرامت انسانی شهروندان تهرانی ندارد. از آنجا که بر اساس سند طرح جامع تهران، هر پنج سال یکبار می‌توان اقدام به بازنگری در این سند کرد، و با عنایت به گذشت حدود ۱۰ سال از این سند (که تا کنون در آن بازنگری نشده است)، پیشنهاد این مقاله، اصلاح راهبرد اقتصادی نوسازی در طرح جامع شهر تهران است.

پی‌نوشت

۱. Schulman
۲. labor force
۳. human force
۴. human resource
۵. human capital
۶. Human Development
۷. HDI
۸. human capability
۹. Sulmasy
۱۰. Nordenfelt
۱۱. O'Mathuna

۱۲. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

۱۳. برای شناخت حق کرامت انسانی، نخست باید معنای کرامت را مطرح کرد. با نظر به مجموع موارد کاربرد این لفظ، می‌توان گفت معنای مشترک میان همه، عبارت است از پاک بودن از آلودگی‌ها و عزت و شرف و کمال مخصوص به موجودی که کرامت به آن نسبت داده می‌شود (جعفری تبریزی ۱۳۷۰، ۷۷). آیت‌الله جعفری تبریزی همچنین تصریح می‌کند که در دین اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است (همان). بسیاری دیگر از علما نیز، مانند آیت‌الله جعفری تبریزی قابل به تفکیک انواع کرامت هستند و معتقدند که دو نوع کرامت ذاتی (که با معیارهایی نظیر خلقت الهی، خلافت الهی، تعقل و اختیار تعریف می‌شود) و کرامت اکتسابی (با معیارهای تقوا، ایمان، علم و مجاهده) قابل



طرح خواهند بود (خانزاده امیرسالاری ۱۳۹۴، ۶۰-۴۷). همین رأی را می‌توان در آثار علمای دیگری همچون شهید مطهری نیز جستجو کرد (آشور ماهانی ۱۳۹۲؛ آقاداتاشی ۱۳۹۲).

۱۴. بر اساس راهبرد ۶-۱۱-۲ طرح جامع، «ارجحیت منافع عمومی بر منافع خصوصی و تأمین عدالت اجتماعی - فضایی و اولویت به تقویت فضاهای عمومی در ساماندهی فضایی شهر تهران» تصریح شده است.

۱۵. بافت‌های فرسوده‌ی شهر تهران - که عمدتاً در مرکز و جنوب شهر تهران واقع شده‌اند - خدمات زیادی را به بخش‌های دیگر شهر ارائه می‌کنند. روزانه تعداد زیادی از شهروندان، از شمال شهر و بخش‌های مرفه‌نشین‌تر، به بازار تهران می‌آیند و از خدمات آن بهره می‌برند. جریان ثروت شهری ظاهراً کماکان از جنوب شهر به سمت شمال شهر جریان دارد. بر این مبنا نمی‌توان نقش و تکلیف ساکنان خارج از بافت فرسوده در نوسازی بافت‌های فرسوده را نادیده گرفت. طرح جامع اگر برای منافع عمومی اصالت قائل است؛ باید به این نکته نیز توجه داشته باشد که تأمین این منافع در گرو کاهش بی‌عدالتی‌هاست. نوسازی بافت‌های فرسوده، یکی از نمونه‌های روشن منافع عمومی در شرایط کنونی شهر تهران است. طرح جامع مشخص نکرده است که با چه استدلالی، تراز مالی صفر را برای نوسازی شهر تهران (که از پیچیده‌ترین و هزینه‌برترین مسائل تهران است) در نظر گرفته است. فلسفه‌ی اخذ مالیات و عوارض، اصولاً حمایت از محرومان در جهت افزایش مطلوبیت نهایی است. شهرداری که به عنوان بخش عمومی، درآمد خود را از عمدتاً از طریق مالیات و عوارض تأمین می‌کند؛ چگونه می‌تواند توقع نوسازی بافت فرسوده بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای را داشته باشد؟

منابع

- آشور ماهانی، عباس. ۱۳۹۲. *کرامت انسانی از دیدگاه استاد مرتضی مطهری و علامه محمدتقی جعفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی مبانی نظری، گرایش فلسفه و کلام، دانشگاه مازندران، دانشکده الهیات.*
- آقاداتاشی، رسول. ۱۳۹۳. *حقوق بشر از دیدگاه شهید مطهری. دفتر مطالعات حقوق ملت پژوهشکده شورای نگهبان.*
- جعفری تبریزی، محمدتقی. ۱۳۷۰. *حق کرامت انسانی. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۲۷ (شماره پیاپی ۱۱۴۵): ۷۷-۹۸.*
- خانزاده امیرسالاری، سمانه. ۱۳۹۴. *تدابیر پیامبر(ص) در جهت اعتلای کرامت انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ.*
- درتاج، فتانه، و محمد محمدرضایی. ۱۳۹۵. *مبانی کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا. فلسفه دین ۱۳ (۴): ۵۵۳-۵۷۸.*
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل. ۱۳۹۰. *نگرش اسلامی به کرامت انسانی. معرفت حقوقی ۱ (۲): ۱۱۳-۱۲۶.*
- رضائیان، محسن. ۱۳۹۴. *تحلیل کرامت انسانی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.*
- رضوانی‌پور، مهدی. ۱۳۸۶. *کرامت انسان از دیدگاه قرآن. همایش امام خمینی(ره) و قلمرو دین. مجله کرامت انسان (۲).*
- سالیوان، راجر. ۱۳۸۰. *اخلاق در فلسفه کانت. ترجمه‌ی عزت‌اله فولادوند. تهران: طرح نو.*
- شکوهی بیدهندی، محمدصالح. ۱۳۹۳. *ارزیابی عدالت فضایی در برنامه‌های توسعه شهری، رساله‌ی دکتری شهرسازی، پریس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.*
- صادقی، رسول، و نسیمه سنجرى. ۱۳۹۶. *الگوی فضایی نابرابری توسعه در مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران. فصلنامه رفاه اجتماعی ۱۷ (۶۶): ۱۸۴-۱۴۹.*
- صدر، سیدموسی. ۱۳۹۰. *برای زندگی. ترجمه‌ی مهدی فرخیان. انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.*
- عبدی دانشپور، زهره، و امیر شفیعی. ۱۳۹۷. *تحلیل نابرابری فضایی در سیستم مسکونی شهر تهران، بررسی دگرگونی قیمت مسکن در دوره زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵. جغرافیا و توسعه (۵۲): ۲۶۷-۲۹۲.*
- قالیباف، محمدباقر. ۱۳۸۷. *نامه شماره ۸۷۱۰/۸۷۱۷۸۰۳ مورخ ۸۷/۲/۳۰، از طرف شهردار تهران.*
- محقق داماد، مصطفی. ۱۳۹۶. *جایگاه اصل کرامت انسانی در اجتهاد شیعی. در فرهنگ امروز: پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ و علوم انسانی.*
- محمودی، وحید، شهرزاد نیری، و علی اصغر پورعزت. ۱۳۹۳. *بازپردازی شاخصهای توسعه قابلیت‌های انسانی در پرتو فرمان امام علی(علیه السلام) به مالک اشتر. فصلنامه مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ۶ (۱): ۱۶۷-۱۸۶.*
- مرصوصی، نفیسه. ۱۳۸۳. *توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران. فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی (۱۴): ۱۹-۳۱.*
- منصوری، سیدامیر. ۱۳۹۵. *نقد و بررسی طرح جامع تهران ۱۳۸۶. انتشارات پژوهشکده نظر.*



۱۹. میراحمدی، منصور، و محمد کمالی گوکی. ۱۳۹۳. تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه امام خمینی. *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی* ۳ (۱۰): ۲۷-۵۰.
۲۰. نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری تهران. ۱۳۸۶. *طرح راهبردی ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)*. دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران.
۲۱. یدالله‌پور، بهروز، و سیدرضا مودب. ۱۳۹۳. کرامت انسان و الزامات آن از منظر قرآن کریم. *مطالعات تفسیری* ۵ (۱۷): ۷۵-۹۰.

References

1. Abdi Daneshpour, Zohreh, and Amir Shafiei. 2008. Analysis of Spatial Inequality in the Residential System of Tehran, A Study of the Transformation of Housing Prices in the Period of 1991 to 2016. *Geography and Development* (52): 292-267.
2. Aghadadashi, Rasoul. 2014. *Human Rights from the Perspective of Shahid Motahhari*, Office of Nation Law Studies, Research Institute, Islamic Republic of Iran Constitution Guardian Council (Shoray-e-Negahban).
3. Al-Sadr, Sayyid Mousa. 2011. *For Life*. Translated by Mehdi Farrokhanian, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute Publications.
4. Ashour Mahani, Abbas. 2013. *Human Dignity from the Perspective of Morteza Motahhari and Mohammad Taghi Jafari, Master's Thesis in Theoretical Foundations, Philosophy and Theology*, Mazandaran University, Faculty of Theology.
5. Dortaj, Fattaneh, and Mohammad Mohammad Rezaei. 2016. Fundamentals of Human Dignity from Mulla Sadra's Perspective. *Philosophy of Religion* 13 (4): 553-578.
6. Institute of the Study and Preparation of Urban Development Plans in Tehran. 2007. *Structural Strategic Plan for Development and Prosperity of Tehran (Comprehensive Plan of Tehran)*. Secretariat of the Supreme Council of Urban Planning and Architecture of Iran.
7. Jafari Tabrizi, Mohammad Taghi. 1991. The Right to Human Dignity. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran* (1145): pp. 98-77.
8. Khanzadeh AmirSalari, Samaneh. 2015. *The Prophet's (PBUH) Measures to Promote Human Dignity*, M.Sc. Thesis in Islamic History, Al-Zahra University, Faculty of Literature, Languages and History.
9. Mahmoudi, Vahid, Shahrzad Nayyeri, and Ali Asghar Pourezat. 2014. Reconstruction of Human Capacity Development Indicators in the Light of Imam Ali's (peace be upon him) Command to Malik Ashtar. *Business Management Quarterly, University of Tehran, School of Management* 6 (1): 167- 186.
10. Mansouri, Seyed Amir. 2016. *Critique of Tehran Comprehensive Plan 2007*. Nazar Research Center.
11. Marsousi, Nafiseh. 2004. Development and Social Justice of Tehran. *Quarterly Journal of Economic Research* (14): 19- 31.
12. Mirahmadi, Mansour, and Mohammad Kamali Goki. 2014. Analysis of the Concept of Human Dignity in Shiite Political Thought: A Case Study of Imam Khomeini's Thought. *Quarterly Journal of the Islamic Revolution* 3 (10): 50-27.
13. Mohaghegh Damad, Mostafa. 2017. *The Place of Principle of Human Dignity in Shiite Ijtihad*. in Today's Culture: The Website of Analysis Culture and Humanities.
14. Nordenfelt, Lennart. 2004. *The Varieties of Dignity*. Kluwer Academic Publishers, Health Care Analysis 12 (2).
15. O'Mathuna, Donal P. 2013. Human Dignity and the Ethics of Human Enhancement. *Trans-Humanities, Ewha Institute for the Humanities* 6 (1): 99-120.
16. Qalibaf, Mohammad Baqer. 2008. Letter No. 8717803/8710 dated 2/30/87, by the Mayor of Tehran.
17. Rahiminejad, Ismail. 2011. Islamic Attitude to Human Dignity. *Legal Knowledge (Marefat-e-Hoquqi)* 1 (2): 113-126.
18. Rezaian, Mohsen. 2015. *Analysis of Human Dignity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Master's thesis*.
19. Rezvanipour, Mehdi. 2007. Human Dignity from the Perspective of the Quran, Imam Khomeini Conference and the Realm of Religion. *Journal of Human Dignity* (2).
20. Sadeghi, Rasoul, and Nasibeh Sanjari, 2017. Spatial Pattern of Development Inequality in 22 Districts of Tehran. *Social Welfare Quarterly* 17 (66): 184-149.
21. Schulman, Adam. 2009. *Bioethics and the Question of human rights* University of Notre Dame Press.
22. Shokouhbidendi, Mohammadsaleh. 2014. *Evaluation of Spatial Justice in Urban Development Plans*, PhD Thesis in Urban Planning, School of Fine Arts, University of Tehran.
23. Sullivan, Roger. 2001. *Ethics in Kant's Philosophy*. Translated by Ezatullah Fooladvand. Tehran: Tarh-e No.
24. Sulmasy, D. P. 2002. Death, Dignity, and the Theory of Value. *Ethical Perspectives* (9): 103-118.
25. Sulmasy, D. P. 2008. *Dignity and Bioethics: History, Theory, and Selected Applications*. In Humanand dignity and bioethics, ed. E.D.
26. Yadollahpour, Behrooz, and Seyed Reza Moaddab. 2014. Human Dignity and Its Requirements from the Perspective of the Holy Quran. *Journal of Interpretive Studies* 5 (17): 75- 90.





Evaluation of Human Dignity (Based on the Views of Sayyid Musa al-Sadr) in Urban Renovation Policies; Case Study: Economic Strategy for Renovation in Tehran Comprehensive Plan

Mohammadsaleh
Shokouhbidhendi *

PhD in Urban Planning and Faculty Member at Iran University of Science and Technology

Reza Motahar **

Master in Urban Planning, IUST

Received: 27/11/2019

Accepted: 17/02/2020

Abstract

Urban renovation is a strategic issue in Iran urban development, and is considered central to many other urban planning documents. The deteriorated areas of cities may cause a variety of social and economic problems for their inhabitants. Living in such areas, may deprive residents from opportunities (such as access to educational space, access to health services, and sense of belonging to a good neighborhood), and so, undermine their human dignity. For this reason, it is necessary for urban planners to consider the issue of human dignity when defining goals and strategies for renovating deteriorated urban areas. In Tehran, the comprehensive plan (approved in 2007) has identified strategies for the renovation of deteriorated urban areas. In terms of economics, the comprehensive plan of Tehran proposes a «no cost» renovation strategy, meaning that the renovation process should be realized with the municipal incomes from inside of the deteriorated areas themselves (without no dependence on the income of from richer areas of the city). This research questions whether such a strategy is a suitable one from the point of view of human dignity? In other words, is it consistent with the concept of human dignity to provide the budget required to support renovation in deteriorated areas by billing the same areas? Human dignity is a relatively complex concept, and there may not be a complete consensus on the definition and criteria for its measurement. This paper, however, focuses on the views of Sayyid Musa al-Sadr, a religious researcher, author and thinker who has written, spoken and undertaken practical measures to address the concept of human dignity. According to the humanitarian and Islamic context of his ideas, this paper, by explaining the views of Sayyid Musa al-Sadr, has tried to present a theoretical framework for measuring human dignity in urban development programs. Then, based on this framework, this article evaluates the economic strategy of Tehran's renovation projects. In order to evaluate the urban renewal strategy in Tehran's comprehensive plan, this research has conducted a semi-structured interview with two groups of experts: First, the experts at Tehran Center for Urban Studies and Planning (as the conductor of Tehran Comprehensive Plan), and the second, the experts at Tehran Renovation Organization (as the responsible organization for urban renewal).

* shokouhi@iust.ac.ir

The interviews proceeded to a theoretical saturation (a total of 15 interviews).

Research findings show that human dignity can be measured by seven criteria: «maintaining and promoting unity in society», «creating opportunities for progress for all citizens», «considering people equal, except for superiority in piety, endeavor and knowledge», «dealing with people's needs», «acknowledgement of responsibility towards others by all citizens», «considering human freedoms» and «institutionalizing the empowerment of the disadvantaged». According to these criteria, this paper shows considerable divergence between the economic strategy of «No Cost Urban Renewal», which has been emphasized by the comprehensive plan of Tehran, and the concept on human dignity.

Keywords: Urban Renovation, Human Dignity, Tehran Comprehensive plan, Sayyid Musa al-Sadr.

